تحقق وعده الهي

سابقه جذب و سائقه دفع كه از شئون ارادت و كراهت، محبت و عداوت و سرانجام تولّي و تبرّي است استدعا دارد شكوفا گردد و اثاره اين بخش از دفائن نفوس ـ در برابر دفائن عقول ـ به ترغيب و ترهيب است كه حكمت قرآني آن را ملحوظ مي‏دارد و بر همين اساس خداوند انبيا را با تبشير و انذار فرستاده است: تبشير او وعده و انذارش همان وعيد وي است.

لحن تعبير (وَعَدَ الله) به گونه‏اي است كه همراه تأكيد و نشان انجاز وعده الهي است، زيرا وقتي مي‏فرمايد كه «الله» وعده داد، انسان مطمئن است كه اين وعده عملي مي‏شود، چون تخلّف وعده عواملي دارد كه همه آن‏ها از خداوند منتفي است، زيرا تخلّف از وعده، يا براي آن است كه شخص نمي‏داند وفا به وعده واجب است؛ يا مي‏داند ولي آن را فراموش مي‏كند؛ يا توانايي انجام دادن آن را ندارد؛ يا قدرت دارد ولي بخيل است، يا... پس عامل تخلف از وعده، جهل، نسيان، عجز، حاجت، بخل و مانند آن است و اين امور جملگي جزو صفات سلبي‏اند و خداوند از همه آن‏ها مبرّاست.

وعده الهي براي كساني است كه واجد دو ركن اساسي ايمان و عمل صالح باشند: (الَّذينَ آمَنوا وعَمِلوا الصّالِحت).

مصداق روشن عمل صالح در اين بخش همانا عدل و تقواست كه عنصر محوري بحث آيات اخير بود.[[1]](#footnote-1)

1. . تسنيم، جلد 22 - صفحه 126 [↑](#footnote-ref-1)